



جان‌های جاویدان

پژوهشگر - سید محمود افتخاری

پیش‌درآمد:

جان‌های جاویدان (جاودانه) مروری است هر چند کوتاه بر احوال و آثار زنان و مردان صاحب ذوق و اندیشه و هنرآفرینان خلاق و آفرینش‌گر ایران زمین. نگاهی و یادی است از سر قدرشناسی و قدردانی از آن بزرگواران. بهانه‌ای است به قصد درک معرفت و منزلت هم‌می عاشق مردان و عاشق زنان این دیار که خالصانه جان و دل را نثار حفظ ارزش‌های متعالی هنر و فرهنگ سرزمین‌شان کرده‌اند. اگر باشد، سخنی در تجلیل و تقدیر از پیش‌گامان و پیش‌کسوتان ساحت ناب هنرهای ملی و سنتی این کهن خاک پاک است. یاد و یادمانی است از کاروان هنرمندان و استادان گم‌نام که عمری صبورانه به عاشقی هنر نشستند تا عشق و ایمان و معرفت خود را نثار عرصه‌ی مقدس هنر نمایند. روایت از یاد رفته‌ی آن شیفتگان وادی عرفان و معنویت است که با خلق شاه‌کارهای هنری، خورشید تابناک هنر ایران را به افق‌های دور دست تاباندند و سبب آفرین کسب آبرو و اعتبار جهانی ایران اسلامی در عرصه‌ی گسترده تاریخ هنر گیتی شدند. یاد و نام هم‌می آنان جاودان باد و پاینده.

هدف ما از گشودن این پرده در مجله‌ی «فردوسی» معرفی چهره‌های بی‌نام و نشان یا گم‌نام و کم‌نام و نشانی است که مایه‌ی افتخار و غیرت ما شده‌اند و بر جوانان ایران اسلامی واجب است از این الگوها و چراغ‌های معرفت و هدایت بهره‌گیرند تا راه از چاه بازشناسند و برای تداوم مجد و شکوه و عظمت نام ایران زمین از هیچ تلاش و کوششی دریغ نوزند.

«مجله‌ی فردوسی»

شادروان استاد نیکزاد! نقاش مینیاتور ایران

استاد نیکزاد هنرمند ماهر و چیره دست نقاشی مینیاتور، به سال ۱۳۰۲ شمسی در تبریز دیده به دنیا آمد. از کودکی نشانه‌های هنرمندی در نهادش تجلی یافت، چندان که در شش سالگی طرح‌هایی از گل و پرده و طبیعت را با ظرافت و مهارتی قابل توجه به اجرا درمی‌آورد. دوره دبستان آغاز شکوفایی خلاقیت‌های هنری او محسوب می‌شود. در دوران دبیرستان درخشش نیکزاد در طراحی و نقاشی با

طبیعت و سیاه قلم علاقه نشان می‌داد. وی پس از اخذ دیپلم به تهران آمد و همکاری با روزنامه‌ها و مجله‌های معتبر را در زمینه‌ی طراحی روی جلد و نقاشی مورد سفارش آن‌ها آغاز کرد. سپس اجرای کاریکاتور را در برنامه‌های هنری خود قرار داد. زنده‌یاد نیکزاد با قدرت فوق‌العاده‌ای که در کار طراحی داشت در عرصه‌ی کاریکاتور نیز به موفقیت بسیار چشمگیری نایل آمد و مجلاتی چون مرد امروز، ترقی و... محل چاپ و نشر کاریکاتورهای قوی و پرمحتوای استاد شدند.

نیکزاد در سال ۱۳۲۲ به مدرسه‌ی «صنایع قدیمه» راه یافت و مدتی را

در آن «هنرستان عالی هنرهای ایرانی» به تکمیل هنر «مینیاتور» سپری کرد و در این هنر نیز تسلط کافی کسب نمود. ظرافت‌های قلم استاد برای اجرای نقاشی مینیاتور بسیار مناسب بود. به همین دلیل با سرعت اصول مینیاتور را آموخت. وی در سال ۱۳۲۶ به دعوت شرکت نفت به عنوان طراح و گرافیست عازم آبادان شد و به کار هنری خود در آنجا ادامه داد. استاد در سال ۱۳۴۰ از کار دولتی



شبیه‌سازی چهره افراد فامیل و دوستان نزدیکش تداوم یافت. هر چند اطرافیان با دیدگاه‌های سنتی و نادرست خود جوان جوئی هنر را از کار نقاشی و نقش‌پردازی منع می‌کردند، اما شور و عشق فراوان نیکزاد به نقاشی در حدی بود که این قبیل ممانعت‌ها هرگز نتوانستند جلوی آفرینش‌های هنری او را سد سازند.

استاد نیکزاد تا سال‌های پایانی دبیرستان بیشتر به نقاشی



فاصله

فاصله‌ی جاریِ دستانِ من،
از گستره بی‌کرانه‌ی دشتِ بکرِ خاطره‌ها،
تا سقوطِ یک نگاه،
از بلندایِ یک پنجره،
به باغِ کوچکِ همسایه‌مان،
آخرین واژه زنده ماندنم،
نبود.

به فاصله‌ی انگشتانم،
قطره‌قطره رودِ جاریِ حادثه،
اقیانوس اقیانوس تن شد.
سبز شد، سبز شد،
آبی شد، آبی شد،
سرخ شد، سرخ شد،
جان گرفت و جانان شد.

به فاصله‌ی دو صفر...
کتابِ حادثه را بستم،
دل سنگ را شکستم،
بر بالِ قاصدک نشستم،
از هر چه نیست گذشتم،
هست شدم، هست شدم،
مست شدم، مست شدم،
از همه‌ی بود و نبود،
پست شدم، پست شدم.

در کوچه‌ی نسیم،
در خلوتِ نگاه،
در واژه سراب،
در جاریِ کلام،
در فکرِ حادثه،
سبز شدم،
سرخ شدم.

مست شدم.

هست شدم.

«کیهان»

۱۳۷۰

بازنشسته شدند و سالیانی را به مطالعه‌ی عمیق ادبیات کلاسیک ایرانی پرداختند و با اشعار فردوسی، مولانا، حافظ، سعدی، خیام و... آشنایی یافتند. ذهن و حافظه‌ی قوی استاد نیکزاد در به خاطر سپردن و حفظ اشعار این بزرگان ادب ایران و جهان مثال‌زدنی است. این شعرها مضمون و موضوع اصلی و بنیادی تابلوهای مینیاتور استاد را شکل می‌دهند. از استاد نیکزاد سی و پنج قطعه نقاشی در کتاب «فریدون» به چاپ رسیده است (سال ۱۳۴۵) همچنین در دیوان «حافظ» کشفی نیز چند مینیاتور زیبا از ایشان چاپ شده است. دیگر آثار این هنرمند ارزنده در عرصه‌ی مینیاتور زینت‌بخش مراکز فرهنگی و خانه‌ی دوستان و یاران و فرزندان صاحب‌دل وی است.



نیکزاد در نقاشی و هنر مینیاتور سخت پای‌بند و معتقد به اصول طراحی، رعایت تناسب و اندازه‌ها بود و بر این نکته‌ی اساسی تأکید فراوان داشت. تسلط و مهارت استاد در اصول طراحی و آناتومی، در قلم‌گیری‌های ایشان نمایان است. استاد همچنین مهارت و چیرگی فوق‌العاده‌ای در شناخت و ترکیب رنگ‌ها داشتند. این موضوع را می‌توان در ساخت و ساز مینیاتورهای استاد مشاهده کرد. استاد در کار آموزش نقاشی بسیار با تجربه و جدی بودند و شاگردان خوبی را تا درجه‌ی استادی تربیت کردند. سرانجام نیکزاد در بیستم فروردین ۱۳۸۱ دار فانی را وداع گفتند. آیا شاگردانش پی‌گیر هنرمندی‌های این استاد خواهند بود؟

رومش شاد و روانش قرین رومت الهی باد.

«پایان»